

دوستان ارجمند!

آن چه در زیر ملاحظه می کنید شامل یک مقدمه برای توضیح اوضاع و احوال کنونی و حادث شدن معضلات قومی در ایران است.

مقدمه توسط دوستان حبیب برزین، کمال ارس و بابک امیر خسروی تهیه شده است. و طرح قطعنامه همانست که توسط "گروه کار اقوام و مبحث ملی" برای همایش فرانکفورت از سوی عده ای که امضای شان در زیر قطعنامه است، تدوین شده بود. عده ای هم بعدا به آن پیوستند که نام آن ها نیز در زیر قطعنامه مشاهده می شود. اصلاحات کمی روی این متن توسط بابک امیر خسروی وارد شده است. هر جا **آبی است به معنی اضافه** و هر جا به **رنگ قرمز است به معنی حذف**. این طرح در سوکمیسیون هنوز مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است. ولی بجهت در دستور قرار گرفتن موضوع در جلسه در شورای هماهنگی، طرح در اختیار شما قرار میگیرد. کمیسیون تدارکات مضمونی همایش

28 ماه مارس

مقدمه

ضرورت رفع معضلات قومی در ایران

سال ها است که در کشور ما، خواست های برآورده نشده اقوام و اقلیت های زبانی - فرهنگی و مذهبی ایرانی، بر روی هم انباشته و در حال گذار به یک معضل اجتماعی - سیاسی جدی است. بخش بزرگی از مردم کشور از امکان آموزش زبان مادری محرومند. در تهران، اصفهان و یا مشهد کودکان به همان زبانی که در خانه صحبت می کنند درس می خوانند، اما کودکان در آذربایجان و کردستان، بخش های عرب زبان خوزستان، ترکمن ها بلوچ ها، مجازیه آموزش زبان مادری خود در کنار زبان مشترک فارسی نیستند. دولت ها تا کنون، نسبت به تامین امکانات لازم برای توسعه و شکوفائی فرهنگ اقوام مختلف ایرانی بی توجه بوده اند. اقوام ایرانی در مناطق و ایالات سکناي خود و هم چنین سایر ساکنان ایالات و ولایات در سراسر کشور، از حق انتخاب فرماندار، استاندار و سایر مقام های استانی؛ و کلا از اداره امور محلی، محرومند.

به خواست های قومی، مشکلاتی اضافه می شوند که در سراسر ایران وجود دارد: نقض آزادی ها و حقوق زنان، فشار به اقلیت های مذهبی، ویژه در مناطق سنی نشین؛ سانسور کتاب ها، نشریه ها و روزنامه ها؛ دستگیری نویسندگان، بستن نهادهای مدنی، و یا محدود کردن فعالیت آنها؛ بیکاری، فقر، فحشاء، فساد دستگاه های اداری و قضایی؛ افزایش روزانه قیمت ها و نبودن امنیت شغلی و... در شمار این معضلات اند.

نارضایتی و اعتراض به این اوضاع و احوال ناگوار تمام کشوری، با خواست های ویژه اقوام ایرانی گره خورده، وضعیت بحرانی و گاه انفجاری در این مناطق به وجود آورده است. انتشار یک کاریکاتور در خردادماه گذشته؛ امری که در شرایط عادی ممکن بود نادیده گرفته شود؛ با تظاهرات گسترده مردمی مواجه شد و گاه به خشونت کشید. آن چه در آذربایجان رخ داد، خود شاهد این وضع انفجاری است.

در نبود آزادی های اجتماعی، محدود بودن گردهمایی ها و برگزاری جشن و سرود و آوازخوانی و خفقان حاکم بر کشور؛ مراسم عادی فرهنگی و بزرگداشت ها به سرعت با خواسته های قومی گره می خورد و خصلت سیاسی به خود گرفته فراگیری شود. حضور سالانه جوانان، شاعران و نوازندگان در قلعه بابک در آذربایجان، به يك جنبش اعتراضی سیاسی مبدل شده و هر سال گسترده ترمی شود.

امسال در روز جهانی زبان مادری در دانشگاه ها و شهر های بزرگ آذربایجان و در جاهای دیگر، تظاهراتی صورت گرفت. بی گمان، این گونه حرکات و ابتکارات، در سال های آتی تکرار خواهد شد. در بعضی مناطق که در گذشته اقوام متفاوت با تفاهم در کنار یکدیگر زندگی می کردند، اختلاف و درگیری به وجود آمده است. در اهواز و خرمشهر و آبادان که در گذشته عرب ها بادیگر هم وطنان ایرانی خود در صفا و دوستی زندگی می کردند، شکافی جدی بوجود آمده است.

سیاست خارجی ماجراجویانه جمهوری اسلامی در جهان و خاورمیانه، به ویژه پس از روی کار آمدن دولت احمدی نژاد؛ و مهم تر از همه، دامن زدن به بحران هسته ای، منجر به انزوای ایران در جامعه بین المللی و در منطقه گردیده است. اینک عملا ائتلافی از قاطبه کشور های مهم خاور میانه بر ضد ایران در حال تکوین و شکل گیری است.

سیاست خصمانه دولت بوش نسبت به جمهوری اسلامی، دست جریانات راست افراطی در آمریکا و منطقه را برای تحریکات علیه ایران بازتر گذاشته است. سوء استفاده و تحریک احساسات بی شائبه مردم ایران به ویژه جوانان در میان اقوام تشکیل دهنده ملت ایران، بخشی از این استراتژی است. تحریکات قومی برخی از کشورهای همسایه ایران، اینک

جنبه علنی بخود گرفته است. حوادثی که در بلوچستان تکرار می‌شوند و برخی از نا آرامی‌های خوزستان را می‌توان در این چارچوب قرارداد.

رهبران اسرائیل و بریتانیا از بزرگی بی اندازه ایران صحبت می‌کنند. جلال طالبانی رئیس جمهور عراق در مصاحبه‌ای می‌گوید: اگر ایران در کار عراق دخالت کند برای ما هم این امکان وجود دارد که در امور خوزستان دخالت کنیم. در «کنگره ملی آذربایجان» که سال گذشته در باکو برگزار شد، از الهام علی‌اف به عنوان رهبر 40 میلیون آذربایجانی سخن رفت. حسرت خوران جمهوری آذربایجان که دهه‌ها از میرجعفر باقر وف، «پدر آذربایجان واحد» ستایش می‌کردند، اینبار در پشت تریبون سازمان‌های نئوکانها در واشنگتن ظاهر می‌شوند. و رهبران کردستان عراق از کشور 40 میلیونی کرد صحبت می‌کنند.

وجود استبداد و خفقان در سراسر کشور و تبعیضات گوناگون؛ برآورده نشدن خواست‌های مشروع اقوام و اقلیت‌های زبانی - فرهنگی و مذهبی از یک سو؛ تحریکات و تبلیغات روبه افزون کشور‌های خارجی؛ و هم سوئی تاسف بار برخی افراد و گروه‌های ایرانی با آن‌ها، ولو ناخواسته و از روی احساسات قومی به خاطر مقابله با ورگویی‌ها و تبعیضات دستگاه حاکمه از سوی دیگر. زمینه را برای کشاندن مردم به سوی افراطی‌ترین شعارها فراهم ساخته است. در این شرایط است که گروه‌های افراطی می‌توانند خواست‌های به حق برخاسته از هویت قومی را با شعارهای افراطی جدائی خواهی پیوندزنند. و اگرچنین شعاری در شرایط استثنائی، به خواست عمومی مبدل شود، دیگر حتی با سرکوب هم نمی‌توان جلوی تجزیه کشور را گرفت.

پاسخ معقول و فوری به خواست‌های مشروع اقوام ساکن ایران، تنها راه پیشگیری از تبدیل شدن نارضائی‌های کنونی به یک بحران سیاسی کنترل ناپذیر؛ و یک امری ضروری و عاجل برای حفظ وحدت میان اقوام ایرانی است که طی هزاره‌ها، در کمال تقاهم و همبستگی، همزیستی داشته و متحد از استقلال و تمامیت ارضی ایران پاسداری کرده‌اند.

طرح پیش نویس قطعنامه پیشنهادی "گروه کار اقوام و مبحث ملی"، بازتاب اصول و مبانی نظری اتحاد جمهوری خواهان ایران در موضوع اقوام و اقلیت‌های زبانی - فرهنگی و مذهبی ایرانی؛ و حاوی راهکاری برای تامین خواست‌ها و حقوق مدنی اقوام و اقلیت‌های، زبانی - فرهنگی و مذهبی آن‌هاست. پیکار برای تحقق آن از هم اکنون باید آغاز شود و بباور ما تحقق آن حتی در جمهوری اسلامی نیز امکان پذیر است.

پیش نویس قطعنامه پیشنهادی "گروه کار اقوام و مبحث ملی"

1- ایران کشور همه اقوام و اقلیت‌های زبانی- فرهنگی ساکن آنست. هیچ یک از آن‌ها، امتیاز و برتری بر دیگران ندارد و همه باید از حقوق شهروندی برابر برخوردار باشند. مظاهر هویت قومی در زمینه زبان و فرهنگ و هنر، باید محترم شمرده شود و مورد حمایت قانون قرار گرفته و راه رشد و شکوفایی آن‌ها فراهم گردد.

2- اقوام و اقلیت‌های زبانی- فرهنگی تشکیل دهنده ملت ایران، از یک هویت قومی- تباری برخوردارند که در زبان و گویش‌ها، در آداب و رسوم و مذهب، در فرهنگ و هنر آن‌ها متبلور است. این اقوام مستقل از ریشه و تبار و هویت احترام برانگیز قومی شان؛ طی سده‌ها و هزاره‌ها زندگی و تاریخ و سرنوشت مشترک، ایرانی شده‌اند و بخش‌های بهم پیوسته ملت ایران را تشکیل می‌دهند که بیانگر تعلق ملی آن‌هاست. هویت قومی و تعلق ملی، مکمل یکدیگر و اجزای جدایی ناپذیر یک کل اند. لذا تعلق به ملت ایران نافی و ناقض هویت قومی، زبانی - فرهنگی شهروندان ایران و چندگونگی آن نیست، بل که از ویژگی‌ها خصوصیات و تجلی بافت مردم شناسی ملت ایران در طول تاریخ بس دراز آنست.

3- ما خواهان اقدام در راستای تحقق و شکوفایی مظاهر و شاخص‌های فرهنگی اقوام ایرانی هستیم و هرگونه تلاش و پافشاری بر عدم اجرای چنین سیاستی را در کشوری با بافت قومی گوناگون و در موقعیت جغرافیایی- سیاسی ایران در منطقه، برای وحدت ملی ایرانیان زیانبار می‌دانیم. جامعه دموکراتیک و پلورالیستی مطلوب ما، نه تنها باید هویت فرهنگی، زبانی و دینی اقوام و اقلیت‌های زبانی- فرهنگی ایرانی را حفظ کند، بلکه باید شرایط لازم را برای بروز آزادانه و رشد و پرورش آنها فراهم آورد. تلاش و پیکار در جهت دستیابی به این خواست‌ها می‌باید از هم اکنون و در جمهوری اسلامی آغاز شود و تا ممکن است متحقق شود.

ما قویا خواستار رفع هرگونه تبعیض از اقوام ساکن ایرانیم که به ویژه در زمینه فرهنگی و آموزش زبان مادری و بکارگیری آن در امور محلی، از سوی دولت ها اعمال می شود. ما در عین حال مخالف هرگونه تبعیض و فشار هائی هستیم که در جمهوری اسلامی علیه اقلیت های مذهبی اعمال می شود و قویا خواستار رفع آن ها و تامین برابر حقوقی همه شهروندان ایرانی هستیم.

در عین حال، ما با هرگونه تلاش و سیاستی که ویژگی های قومی را عمده و مطلق کند و به تعصب ورزی قومی کشانده و به همبستگی سراسری ملی و وحدت سیاسی و تمامیت ارضی کشور، آسیب رساند، مخالفیم. ونیز هر نوع رویکرد و سیاستی که خصومت و نفرت میان اقوام تشکیل دهنده ملت ایران را دامن زند، محکوم می کنیم. زیرا این سیاست ها را بیگانه با اندیشه و آرمان های انسان دوستانه ی خود می دانیم.

4 - فارسی زبان مشترک همه ایرانیان و زبان رسمی کشور است. اما زبان مشترک به معنی تک زبانی نیست. آموزش زبان مادری، در کنار زبان فارسی و استفاده و بکارگیری آن در امور محلی و ترویج آن در رسانه های محلی و وسایل ارتباط جمعی؛ ونیز گنجاندن آموزش زبان های اقوام ایرانی در دروس اختیاری مدارس و دانشگاه ها، در شمار خواست های مهم دموکراتیک جمهوری خواهان ایران است. این اقدامات مناسبات و مراوده بیشتر میان اقوام و اقلیت های زبانی- فرهنگی را تسهیل می کند و باعث تقویت یگانگی ملی می گردد. **چگونگی پیاده کردن این امر، نیازمند بررسی کارشناسانه است. همایش برلین از شورای هماهنگی منتخب خود می طلبد، تشکیل کمیسیون تخصصی صلاحیت داری در این رابطه را پیکیری کند.**

5 - ما خواستار تمرکززدایی در ساختار اداری و در پروژه های اقتصادی و توسعه منابع ملی کشور هستیم. زیرا، تمرکز زدایی می تواند در این راستا راهگشا باشد و در رشد ناموزون اقتصادی- فرهنگی مناطق عقب افتاده کشور، تعدیل به وجود آورد و شرایط مساعدی را در ایجاد فرصت های برابر در زمینه های گوناگون، مانند احراز بدون محدودیت پست های مدیریتی و مشاغل در همه سطوح اداری مناطق و حکومتی، فراهم آورد.

برای گذار از رژیم بسیار متمرکز کنونی که ریشه های تاریخی طولانی دارد؛ و برای تحقق دموکراسی مبتنی بر ساختاری غیر متمرکز و تامین مشارکت مردم در امور خود نیز؛، باید کارشناسانه عمل کرد و گام به گام پیش رفت. با این حال، آغاز و پیشبرد روند تمرکز زدایی، مورد تاکید جدی اتحاد جمهوری خواهان ایران است و از هم اکنون باید برای تحقق آن تلاش ورزید.

6 - **بباور ما**، سازماندهی حکومت و ساختار قدرت غیر متمرکز در نظام اداری کشور، باید به نحوی باشد که همه استان های کشور را به طور یکسان و با حقوق برابر در بر بگیرد تا شهروندان کشور بتوانند در مناطق مختلف، در آنچه که مربوط به زندگی فرهنگی، امور اداری، اقتصادی و اجتماعی آنهاست، به طور فعال و کارساز، دخالت و مدیریت کنند و با رعایت اصول و مبانی قانون اساسی و استقلال و یک پارچگی ایران، در همه این زمینه ها، حق تصمیم گیری داشته باشند.

ما گزینش مناسب ترین شکل عدم تمرکز ساختار دولت برای درج در قانون اساسی **جمهوری ایران را**، با توجه به تاریخ شکل گیری ملت ایران و ویژگی های قومی و بافت مردم شناسی کشور، به بر عهده مجلس موسسان منتخب مردم است. آینده واگذار میکنیم.

طرح مشترک: نیره توحیدی، کمال ارس، بابک امیر خسروی، حسن شریعتمداری، رامین صفی زاده، کاظم علمداری. خانم سهیلا بنا، محمد برقی، دکتر مهدی ممکن و رضا فانی یزدی، بعدا به این طرح پیوسته اند.